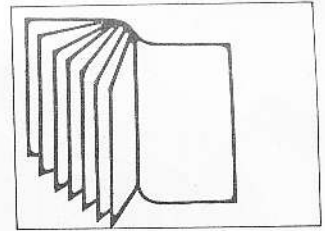


صید نه ابوریحان

از: بهاء‌الدین خرمشاهی



نجوم (تنجیم)، شهره و از همین روی منجم دربار غزنویان بود.

پس از غلبه مأمونیان یا آل مأمون در خوارزم، او زادبوم خود را به عزم بخارا پایتخت سامانیان ترک کرد و نزد منصور بن-نوح (دوم) امیر سامانی تقرب یافت. با ابن سینا که هم در این دیار بود مکاتبات علمی و در واقع مناظرات کتبی داشت که بخش اعظم آن باقی مانده است. (ابوریحان بیرونی و ابن سینا، الامثلة والاجوبة تدوین و تصحیح دکتر سیدحسین نصر و دکتر مهدی محقق. تهران، ۱۳۵۲). سپس ظاهراً در سال ۳۸۸ق به دربار شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر امیر زیاری رفت و در آنجا بود که در حدود سال ۳۹۰ق نخستین کتاب عمده‌اش آثار الباقیة عن القرون الخالیة را نوشت. بین سالهای ۴۰۰ و ۴۰۷ به خوارزم بازگشت و به دربار ابوالعباس مأمون بن مأمون خوارزمشاه پیوست و ندیم و مشاور او بود و گاه از سوی او به مأموریت‌های حساس سیاسی نیز فرستاده می‌شد. به دعوت محمود از مأمون، عده‌ای از رجال علمی دربار مأمون به غزنه رفتند، که بیرونی و ابونصر جیلانی ریاضیدان و ابوالخیر خمار طیب از آن جمله بودند. مشهورتر این است که سلطان محمود غزنوی در سال ۴۰۷ هجری به بهانه خونخواهی خوارزمشاه

مدتی است که در بازار نشر ایران کتابهایی که آنها را «امتهات متون» می‌نامند کمتر منتشر می‌شود. امید است صنعت نشر ضعیف‌البینه امروز گردهم‌های رکود و گرانی را پشت سر بگذارد و دوباره بازار نشر، رونقی را که از عهد پیروزی انقلاب تا حدوداً یک سال پیش داشت پیدا کند.

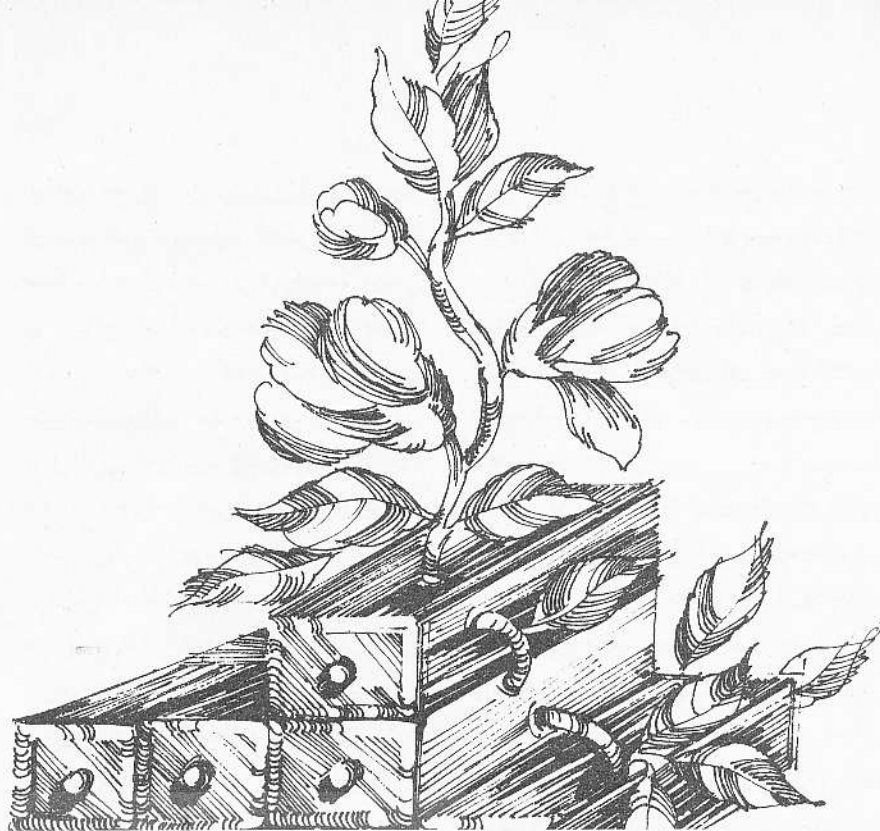
در چنین زمینه و زمانه‌ای البته طبع و نشر تصحیح علمی و ارزشمند کتاب صیدنه «ابوریحان بیرونی» به همت یکی از اسطوره‌های علم و ادب در ایران، استادعباس زریاب خوشی، خاطر‌نواز کتابدوستان و اهل قلم است.

بیرونی

ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی (۳۶۲ - ۴۴۲ یا ۴۴۴ ق) ریاضیدان، منجم، مورخ، دین‌شناس و هندشناس، یکی از ائمه علم و تحقیق ایران در اواخر عهد سامانی و اوایل عصر غزنوی است که شهرت و اعتبار نام و کارنامه علمی او فقط با شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا و ابوبکر محمدبن زکریای رازی قابل مقایسه است. بیرونی در «بیرون» یعنی حومه کات پایتخت خوارزمشاهان به دنیا آمد. علوم عربیه (چون فقه و کلام و صرف و نحو) و علوم عجمیه چون ریاضیات، نجوم و طب را در بیست‌وپنج سال اول عمرش در خوارزم نزد استادان فن آموخت. در عصر خودش بیشتر به علم نجوم یا حتی احکام

که در شورش اهالی خوارزم به قتل رسیده بود به خوارزم رفته و در مراجعت ابوریحان و سایر فضلا را همراه خود به غزنه برده بود. علی‌ای‌حال بیرونی به مدت سه دهه در دربار غزنویان یعنی محمود و مسعود و مودود و حتی جانشینان آنان به سر برد.

بیرونی در این مدت چند بار به وطن خود خوارزم سر زد و در غالب سفرهای جنگی و لشکرکشی‌های محمود به هندوستان همراه او بود و در هند با علما و اهل دیانات از هر فرقه‌ای مخالفت کرد و زبان سانسکریت آموخت، و در طی همین سفرها و اقامتها که به چندین سال برآمده بود، مواد و یادداشتهای لازم برای تألیف کتاب معروف خود موسوم به تحقیق ماللهند [تصحیح زاخانو، لندن ۱۸۸۷م] فراهم آورد. بیرونی در حدود هشتادسالگی، در حدود سالهای ۴۴۲ تا ۴۴۴ هجری در غزنه درگذشت. آثار او بیشتر به زبان عربی است؛ از جمله - جز دو اثری که نام بردیم - قانون مسعودی، کتاب‌الجواهر فی معرفة الجواهر، رساله فی فهرست محمدبن زکریا الرازی که در ذیل آن فهرستی نیز از آثار خود تا تاریخ تألیف آن رساله یعنی سال ۴۲۷ق به دست می‌دهد که عبارت از ۱۰۳ اثر (اعم از کتاب،



رساله، مقاله) کامل و ۱۰ اثر ناتمام بوده است. کتاب التفهیم لاوائل صناعةالتنجیم کتابی است به دو روایت فارسی و عربی، در مقدمات علم هیئت و هندسه و نجوم، به طریق سؤال و جواب که ابوریحان آن را در سال ۴۲۰ یا ۴۲۵ برای ریحانسه- بنتالحسن خوارزمی تألیف کرده است. معلوم نیست که کدامیک از این دو روایت اصل و مقدم بوده است. معروف است که خود ابوریحان آن را از فارسی به عربی یا از عربی به فارسی ترجمه کرده است و به گفته علامه محمد قزوینی از هر دو روایت نسخه‌هایی در کتابخانه‌های اروپا موجود است. البته روایت فارسی التفهیم به همت والای شادروان استاد جلال‌الدین همائی به بهترین وجهی تصحیح شده و با مقدمه‌های پر بار مصحح در تهران به طبع رسیده است (بار اول از سوی وزارت معارف، ۱۳۱۸؛ بار دوم انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲؛ بار سوم به طریق افست، انتشارات بابک، ۱۳۶۲). ابوریحان در مقدمه کتاب صیدنه زبان عربی را ستوده و آن را زبان علم خوانده است، لذا محتمل‌تر این است که التفهیم را نیز که عنوانش هم عربی است، همانند اکثر آثار

خود، ابتدا به عربی نوشته باشد و بعدها آن را به فارسی برگردانده باشد. احتمال بالعکس ضعیف‌تر است. به تحقیق استاد «بوالو» که از بیرونی‌شناسان معاصر است، آثار بیرونی بالغ بر ۱۸۰ فقره است. سه کتابشناسی معتابه نیز از آثار ابوریحان یا از آنچه در باره او نوشته‌اند، تحقیقات و ترجمه‌های آثار او، به طبع رسیده است: ۱- کارنامه بیرونی (که بر اساس کتابشناسی بوالو است). ترجمه و نگارش دکتر پرویز اذکائی (تهران، ۱۳۵۲). ۲- کتابشناسی توصیفی ابوریحان بیرونی به قلم سیدحسین نصر (تهران، ۱۳۵۲). ۳- کتابشناسی ابوریحان بیرونی تألیف احمد سعیدخان، ترجمه عبدالحی حبیبی (تهران، ۱۳۵۲).

یکی دیگر از آثار اصیل او و آخرین اثر عمده ابوریحان کتاب الصیدنه فی الطب است که معرفی طبع و تصحیح جدید آن موضوع این مقاله است. بیرونی روحیه علمی بی‌نظیری داشت و طبق موازین امروزی دانشمندی تجربی مسلک بود. برخی از تحقیقات علمی ابوریحان عبارت است از شرح شمار

هندی، محاسبه اعداد یا گندمهایی که به تصاعد هندسی در خانه‌های شطرنج قرار داده شود؛ تثلیث زاویه و مسائل دیگری که با پرگار و ستاره قابل حل نیست؛ ساده کردن تصویر جسم‌نما برای تسطیح کره؛ تعیین دقیق عرضهای بلاد؛ و تعیین طولهای آنها و اندازه‌گیریهای زمین‌سنجی؛ تحقیق در جرم مخصوص و تعیین دقیق اجرام مخصوص ۱۸ سنگ گرانبها و فلز؛ بیان چاههای آرتزین بر اساس قانون ظروف مرتبطه؛ تحقیقات کم‌نظیری در اصول حساب و سال و ماه اقوام مختلف و دهها کشف و اختراع و تحقیق دیگر. به قول شادروان علامه محمد قزوینی: «و مخصوصاً غالب معلومات بدیعه که در باب تاریخ و تقویم زردشتیان ایران و اهل خوارزم و سغد سمرقند به دست می‌دهد، مسموعات از افواه رجال است، نه منقولات از بطون دفاتر...» (حواشی چهارمقاله، ص ۱۹۶). طبق نظر استاد جلال همائی: «ابوریحان اول کسی است که به قوه علم و فراست ذاتی وجود سرزمینی را حدس زده است که چند قرن بعد از وی در سال ۱۴۹۲ میلادی و ۸۹۷ هجری قمری به نام امریکا کشف شد...» (مقدمه التفهیم، ص ۱۳۱) مرحوم همائی ۳۱ فقره از «افکار تازه و نوآورده‌های علمی ابوریحان» را در مقدمه مفصل و پر بار خود بر تصحیح التفهیم (صفحات ۱۱۳ - ۱۳۴) یاد کرده است. (نیز زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی. ویرایش حسین معصومی همدانی، مقاله «بیرونی»).

صیدنه

حال باید دید صیدنه لفظاً و مصداقاً چیست؟ طبق تعریف دایرةالمعارف فارسی «در اصطلاح علوم قدیم، صیدنه یا صیدله شناختن انواع و اجناس ادویه مفرده و شناختن اقسام برگزیده آنها و آگاهی از ترکیب ادویه مرکبه از روی نسخه‌های مدون یا از روی تجربه متخصصین... متخصص در

فن صیدله را صیدنانی، و صیدلانی می‌نامیدند. در زبان عربی امروز صیدله به معنی دوافروشی و صیدلانی به معنی دوافروش است. به قول ابوریحان بیرونی صیدنه و یا صیدله از کلمه صندل است که معرب چندن یا چندل هندی می‌باشد و چون صندل در داروسازی از مواد مهم بوده است، داروشناسان و داروفروشان را صیدنانی و یا صیدلانی و فن آن را صیدنه یا صیدله می‌گفتند... صیدنه یا صیدله به عنوان اسم خاص نام کتابی است به عربی در فن داروشناسی قدیم به ترتیب حروف الفبا (ی) نام داروها و گیاهان دارویی)...»

حاجی خلیفه در تعریف «علم الصیدله» می‌نویسد: «از فروع طب و علمی است که در آن از تمیز بین نباتات از حیث آنکه آیا چینی یا هندی یا رومی (یونانی) هستند و از معرفت زمان [رویش] آنها که آیا تابستانی هستند یا پاییزی و از تمیز بین نیک و بد آنها و معرفت خواص آنها بحث و فحص می‌کند و غرض و فایده آن آشکار است. و فرق بین آن و علم نباتات این است که صیدله اصالتاً از شناخت احوال آنها بحث می‌کند و علم نباتات اصالتاً از خواص آنها. لذا فن اول شبیه‌تر به عمل و فن دوم شبیه‌تر به علم است و بین آنها اشتراک هست.» (کشف‌الظنون، ذیل «صیدله»).

خود ابوریحان در آغاز فصل چهارم مقدمه‌اش، صیدنه را تعریف کرده که طبق ترجمه فارسی کاسانی از این قرار است: «و امروز آنچه مفهوم است از لفظ صیدنه معرفت عقاقیر مفرده است به اجناس و انواع و صور و خواص آن و خلط مرکبات از او، و آنچه از این معارف به حاجت خلق نزدیکتر است، معرفت قوای ادویه مفرده است و خواص آن...» (ترجمه فارسی صیدنه، ص ۲۵) بیرونی سیاح و شیفته تحقیق میدانی و عملی بود و علاوه بر

استادی در زبان فارسی و عربی و مهارت در سانسکریت و بعضی دیگر از زبانهای هندی، با عبری و سریانی و احتمالاً یونانی نیز آشنائی داشت. (در صیدنه گاه تا بیست زبان و لهجه به کار رفته است). و مشاهده‌گری دقیق بود و در سراسر عمرش به گردآوری اطلاعات دقیق در باره گیاهان و فواید و خواص طبی آنها علاقه و اهتمام داشت و به گفته جورج قناتی در پایان عمر پربارش یادداشتهای خود در باره گیاهان دارویی و طبی را به ترتیب الفبائی مدون کرد و از مجموع آنها کتاب صیدنه را فراهم آورد (دایرةالمعارف ایرانیکا، ج ۴، ذیل «بیرونی»).

این نکته که ابوریحان در باره ثبت و ضبط نام یونانی داروها می‌گوید قابل توجه است: «از آغاز نوجوانی به حسب سن و حال، حرص نیرومندی نسبت به کسب معارف در غریزه من سرشته بود، شاهدش همین بس که فردی رومی [یونانی] به سرزمین ما وارد شد و من دانه‌ها و بذرها و میوه‌ها و گیاهان و غیره را به نزد او می‌آوردم و نام آنها را به زبان او می‌پرسیدم و یادداشت می‌کردم...»

چاپها و ترجمه‌های صیدنه

در عصر جدید خاورشناسان و ایرانشناسان فقط نسخه‌های ترجمه فارسی این اثر را می‌شناختند، تا آنکه استاد زکی ولیدی طوغان، محقق عالی‌مقدار ترک، نسخه منحصر به فرد عربی آن را در کتابخانه وقفی حاج ابراهیم غورشونلی زاده بورسه در سال ۱۹۲۶ کشف کرد. ولیدی طوغان این کشف را به پروفیسور هلموت ریتز دانشمند اسلامشناس مشهور آلمانی اطلاع داد. ریتز هم آن را با دکتر ماکس مایر هوف داروشناس و خاورشناس آلمانی و محقق در تاریخ طب اسلامی در میان گذارد. این نسخه منحصر به فرد از بورسه به استانبول

برده شد و در آنجا از آن عکس برداشتند. مایهوف نسخه عکسی را به دست آورد و در سال ۱۹۳۱ با اجازه ولیدی طوغان در باره کشف او مقاله‌ای نوشت و به این ترتیب اهل علم و تحقیق از وجود این نسخه باخبر شدند (مقدمه استاد زریاب بر تصحیح صیدنه، ص «نه»)

در سالهای بعد چند استنساخ دقیق از این نسخه به سفارش بعضی از محققان و مراکز علمی به عمل آمد. گروهی از محققان به رهبری حکیم محمدسعید و دکتر رانا احسان‌الهی رونوشتی از نسخه منحصر به فرد اولیه را به صورت چاپ عکسی همراه با ترجمه انگلیسی، در پاکستان زیر اشراف مؤسسه همدرد وطنی در کراچی، در سال ۱۹۷۳م منتشر کردند. و از سوی همان بنیاد، در مجله‌ای پیوست، مقدمه‌ای مفصل همراه با شرح و تعلیقات لازم به همت دکتر سامی خلف حمارنه در همان سال انتشار یافت. «عیب چاپ صیدنه پاکستان در این است که مطالبی را که انستاس کرملی در پایان نسخه [استنساخ‌شده] خود برای جبران افتادگیهای متن عربی از ابن‌البیطار و کتب متأخر دیگر به خط خود نوشته است، داخل متن کتاب صیدنه کرده‌اند؛ بی‌آنکه به آن اشاره و توجهی داده باشند و این امر کار را بر اهل تحقیق آشفته و مشوش می‌سازد... اگر این عیب و نقص در چاپ پاکستان نبود شاید من زحمت تصحیح و نشر مجدد را به خود نمی‌دادم.» (مقدمه آقای دکتر زریاب، ص «سی و پنج»)

ترجمه فارسی صیدنه که در تصحیح و تکمیل متن عربی حاضر بسیار کارآمد بوده است، اهمیت و اعتبار شایسته‌ای دارد. مترجم فارسی صیدنه ابوبکر علی‌بن عثمان کاسانی است («کاسان» گفته بارتولد در ترکستان‌نامه از شهرهای فرغانه ماوراءالنهر است و در پنج فرسخی اخیسیکت در کنار رودی به همین نام واقع

است» مقدمه، ص «بیست و پنج») که صیدنه را در دهه سوم قرن هفتم هجری به فارسی ترجمه کرده و به کتابخانه خاص شمس‌الدین ایلتمش هدیه کرده است. ترجمه فارسی صیدنه به همت آقایان ایرج افشار و منوچهر ستوده بر مبنای پنج نسخه تصحیح شده و در دو جلد در سال ۱۳۵۸ در تهران منتشر شده است و مقدمه‌ای پر بار و بیش از یکصدویست صفحه فهارس فنی دارد. مصححان در تصحیح خود از متن عربی نیز استفاده کرده‌اند. دکتر زریاب در باب استفاده‌ای که از ترجمه فارسی برده‌اند می‌نویسند: «من مواضع افتاده از نسخه اصل عربی را به پیروی از کریموف (مترجم صیدنه به روسی) با مواضع مطابق آن در ترجمه فارسی پر کرده‌ام و در این مواضع از سه نسخه عکسی ترجمه فارسی که در حین تصحیح در دست من بود استفاده کردم. متن فارسی چاپ افشار در همان زمان به چاپ می‌رسید که من به تصحیح متن عربی مشغول بودم و به همین جهت نتوانستم از آن استفاده کنم...» (مقدمه، ص «بیست و شش»)

ترجمه روسی صیدنه با حواشی و تعلیقات و فهارس مفصل توسط کریموف در سال ۱۹۷۳م در تاشکند در سلسله نشریات «فن» جمهوری اوزبکستان منتشر شده است. دکتر زریاب از این ترجمه و حواشی آن در کار خود سود جست‌ه‌اند و در این باره می‌نویسند «کریموف مقدمه مفصلی به زبان روسی (۱۲۳ صفحه) بر صیدنه نوشته است و پس از آن ترجمه روسی متن را با حواشی عالمانه در ذیل هر دارو آورده است. بعد فهارس مفصل دقیقی مشتمل بر اعلام و اماکن و نام داروها و نامهای لاتینی و یونانی و عربی و فارسی بر آن افزوده است... من پس از در دست‌داشتن این اثر ارزنده بود که توانستم جرئت چاپ متن صیدنه را داشته باشم و اگر این ترجمه و

تحقیق در دست من نبود بسیاری از مشکلات بر من حل نمی‌شد...» (مقدمه، ص «سی و شش»)

متن حاضر

استاد زریاب در احیای این متن گرانسنگ سنگ تمام گذاشته‌اند، و طی بیش از دو سال تلاش شبانروزی، با روش‌دانی هرچه تامتر، تصحیح آکادمیک کم‌نظیری از این اثر سترگ به عمل آورده‌اند. پس از پیشگفتاری کوتاه، مقدمه‌ای بلند و پربار و محققانه بر تصحیح خود و توضیح منابع اساس و شیوه کار خود نوشته‌اند. مباحث اصلی مقدمه پنجاه و هشت صفحه‌ای دکتر زریاب از این قرار است: ۱- معرفی نسخه اصلی کتاب الصیدنه؛ ۲- افتادگیهای نسخه بورسه؛ ۳- نسخه‌هایی که از روی نسخه بورسه نوشته شده است؛ ۴- ترجمه فارسی کتاب الصیدنه؛ ۵- کتاب خواص ادویه که به آخر ترجمه فارسی کتاب صیدنه در نسخه مغنسیا افزوده شده است؛ ۶- متن عربی صیدنه چاپ پاکستان؛ ۷- ترجمه روسی صیدنه؛ ۸- مطالبی از صیدنه در حواشی منهاج‌البیان؛ ۹- محمدبن مسعود غزنوی (کسی که نسخه صیدنه مورخ ۴۶۸ق را مقابله و تصحیح کرده است و بر آن حواشی افزوده است)؛ ۱۰- غضنفر تبریزی (کتاب نسخه عربی صیدنه موجود در بورسه همان نسخه منحصر به فرد) که نام کاملش ابراهیم بن محمد بن ابراهیم تبریزی معروف به غضنفر است که نسخه خود را در سال ۶۷۸ هجری از روی نسخه کاتبی «تصحیف‌نویس» و لاابالی به نام دیودست‌نوشته که این دیو دست نسخه خود را از روی نسخه ۴۶۸ق کتاب استنساخ کرده بوده است)؛ ۱۱- منابع کتاب الصیدنه: (الف - الخوز یا اطیای جنیدشاپور بد ابوالعباس الخشکی و کتاب جیب‌العروس تمیمی پ - ابومعاذ جوانکائی ت - بشر

السجری ث - ابن سمجون)

سپس متن صیدنه که در حکم فرهنگ توصیفی داروها - یعنی داروهای گیاهی و حیوانی و کانی و گیاهان دارویی است - به ترتیب الفبائی آمده است. این فرهنگواره شامل ۱۱۱۶ فقره در ۶۴۱ صفحه است. در برابر نام هر دارو معادل‌های لاتینی و یونانی آن نیز به زبان و خط لاتینی و یونانی یاد شده است. مصحح مفضال بر اغلب این فقرات هزار و صدگانه یادداشت‌های توضیحی و اصلاحی اعم از نسخه‌شناختی یا مربوط به خواندن متن یا اختلاف ضبطها، یا توضیحات لغوی یا زبانی یا ریشه‌شناختی آورده‌اند که سعه فضل و عمق تحقیق و تلاش عظیم علمی ایشان را نشان می‌دهد. در بخش پایانی کتاب ۷ قسم فهرست سودمند تدوین شده که عبارتند از: ۱- فهرست نامهای گیاهان و جانوران و کانیها؛ ۲- فهرست نام کتابها؛ ۳- فهرست نام اشخاص؛ ۴- فهرست نام جایها و اقوام؛ ۵- فهرست نامهای علمی گیاهان و جانوران و کانیها؛ ۶- فهرست لغات یونانی؛ ۷- فهرست منابعی که در مقدمه و حواشی به طور مستقیم یا غیرمستقیم از آن استفاده شده است. در این سالها اینهمه سختکوشی و روش‌دانی و علم و حلم در تصحیح کمتر متنی به کار رفته است.

در پایان، باید از دستیاری و زحمات علم‌دوستانه آقای مهندس حسین معصومی‌همدانی در همه کارها و ریزه‌کاریها و مراحل طبع عالمانه این اثر ارجمند و تدوین فهارس فنی و گاه دشوار آن، به نیکی یاد کرد. ناشر صیدنه (مرکز نشر دانشگاهی) نیز از کاربست هیچ ذوق و سلیقه‌ای در طبع پاکیزه این اثر فروگذار نکرده است. به قول حافظ:

هزار نقد به بازار کاینات آرند
یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد